



سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

سید مهدی موسوی کوهپر
شاهین آریامنش



سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

سید مهدی موسوی کوهپر
دانشگاه تربیت مدرس

شاهین آریامنش
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



۱۳۹۹

سرشناسه	موسوی کوهپر، سیدمهدی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر / سیدمهدی موسوی کوهپر، شاهین آریامنش
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه سیرات فرهنگی و گردشگری: ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۰۲ ص، مصور (بخشی رنگی).
شابک	978-600-8977-20-9
وضعیت فهرست‌نویسی	فپا
یادداشت	پشت جلد به انگلیسی: Seyed Mehdi Mousavi Kouhpar, Shahin Aryamanesh, Archaeology and History of Nowshahr
موضوع	محوطه‌های تاریخی - ایران - نوشهر
موضوع	Historic Sites - Iran - Nowshahr
موضوع	نوشهر - آثار تاریخی
موضوع	Nowshahr (Iran, Antiquities)
شانه افزوده	آریامنش، شاهین، ۱۳۶۳ -
شانه افزوده	پژوهشگاه سیرات فرهنگی و گردشگری
شانه افزوده	Research Institute of Cultural Heritage & Tourism
رده‌بندی کنگره	DSR۲۱۳۳
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۲۲۷۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۷۵۲۷۷۲۵



سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

نوشته سیدمهدی موسوی کوهپر و شاهین آریامنش

تصویر روی جلد: بنای امامزاده طاهر و مطهر در روستای هزارخال کجور

تصویر پشت جلد: طرح بنای امامزاده طاهر و مطهر در روستای هزارخال کجور

چاپ و صحافی: مهرگان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ یکم: ۱۳۹۹

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۲۰-۹

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۵۴۲ - ۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸ دورنگار:

تارنما: www.richt.ir رایانامه: cep@richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

فهرست

.....	سخن ناشر	۲۳
.....	پیشگفتار	۲۵
.....	فصل یکم: مروری بر جغرافیا و تاریخ مازندران و نوشهر	۲۷
.....	فصل دوم، مروری بر فعالیت‌های باستان‌شناسی در مازندران	۴۷
.....	فصل سوم، بررسی و شناسایی بناها و محوطه‌ها	۵۳
.....	بخش دشت یا جلگه	۵۳
.....	الف) بناها	۵۳
.....	امام‌زاده حمزه‌رضا	۵۳
.....	امام‌زاده محمد	۵۵
.....	امام‌زاده سیدعلی کیاسلطان	۵۷
.....	امام‌زاده عبدالله	۶۰
.....	امام‌زاده نوح ابن امام موسی کاظم (ع)	۶۱
.....	منزل قدیمی خان اسلامی	۶۲
.....	امام‌زاده فارس	۶۳
.....	امام‌زاده بلال	۶۴
.....	بنای طاووس‌خاتون	۶۵
.....	امام‌زاده پیر آل‌نبی	۶۶
.....	امام‌زاده آمنه‌خاتون	۶۷
.....	امام‌زاده ابراهیم‌سلطان	۶۷
.....	امام‌زاده سیدمحمدنبی	۶۸
.....	امام‌زاده سیدحسین	۶۹
.....	قبر طاووس‌خاتون	۷۰
.....	امام‌زاده خالد کیاسلطان	۷۰

۷۲	 امام‌زاده بی‌بی خاتون
۷۳	 حمام قدیمی روستای سنگ‌تجن
۷۴	 ب) محوطه‌ها
۷۴	 قبرستان سنگ‌تجن
۷۶	 محوطه موزی‌پشته
۷۷	 تپه دزین
۷۸	 جاده سنگ‌فرش
۷۹	 اوپی
۸۰	 آب‌دنگ بندپی
۸۱	 محوطه پارینه‌سنگی بندپی
۸۲	 غار شماره ۱ روستای چلک
۸۴	 غار شماره ۲ روستای چلک
۸۶	 بخش کوهستانی
۸۶	 الف) سازه‌ها
۸۶	 امام‌زاده جعفر سراولدین
۸۸	 امام‌زاده زید
۸۸	 امام‌زاده اسماعیل
۹۰	 حمام قدیمی فیروزآباد
۹۰	 امام‌زاده سلیمان و دو فرزند
۹۱	 امام‌زاده قاسم
۹۲	 امام‌زاده عبدالله
۹۳	 امام‌زاده جعفر اسلام‌آباد
۹۵	 امام‌زاده ابراهیم
۹۶	 امام‌زاده ابراهیم ساس
۹۶	 آسیاب سنگی

۷ ♦ سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

۹۷	بقعه درویش رستم (ملک بهمن)
۱۰۰	بقعه شهرآگیم
۱۰۳	حمام قدیمی پی‌ده
۱۰۴	آسیاب قدیمی پی‌ده
۱۰۵	امام‌زاده سیدمهدی
۱۰۶	حمام قدیمی میرکلا
۱۰۷	امام‌زاده افضل فاضل
۱۱۰	امام‌زاده احمد
۱۱۱	امام‌زاده چهل تن
۱۱۱	امام‌زاده علی
۱۱۳	خانه قدیمی شیخ‌الاسلامی
۱۱۵	امام‌زاده علی اصغر
۱۱۶	امام‌زاده محمد کیاسلطان
۱۱۷	حمام قدیمی اوایل
۱۱۹	حمام ناسنگ
۱۲۰	امام‌زادگان یوسف و حسین
۱۲۱	مقبره درویش‌امیر در ناسنگ
۱۲۶	امام‌زاده حسن
۱۲۸	امام‌زاده خالد الشعیب
۱۳۰	امام‌زاده حسن شهید
۱۳۰	امام‌زاده میرزا عمو
۱۳۱	امام‌زاده عبدالله
۱۳۳	امام‌زادگان یوسف، علی، صفیه‌خاتون
۱۳۴	امام‌زاده سید سیف‌الدین
۱۳۵	امام‌زاده یحیی انگاس
۱۳۷	امام‌زاده محمد انگاس

۸ ♦ سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

۱۳۸	 امام‌زاده محمد نیتل
۱۳۹	 امام‌زاده جعفر سریوده
۱۴۲	 امام‌زاده طاهر و مطهر
۱۴۷	 حمام قدیمی روستای هزارخال
۱۴۸	 بنای معروف به آتشکده
۱۴۹	 امام‌زاده محمد کیاسلطان
۱۵۳	 امام‌زاده ابراهیم
۱۵۵	 امام‌زاده ولی
۱۵۶	 امام‌زاده سیدعلی تلوازی
۱۵۷	 امام‌زاده سیدحسین
۱۵۹	 امام‌زادگان ابراهیم کیاسلطان و کیا خاتون
۱۶۰	 امام‌زاده سیدمحمد
۱۶۱	 امام‌زاده جعفر کدیر

ب) محوطه‌ها

۱۶۲	 تپه کینس
۱۶۳	 پی قلعه
۱۶۴	 گورستان چومر
۱۶۶	 محوطه کلم سر
۱۶۶	 تپه جهان‌زار (قلعه گردن)
۱۶۸	 تپه ملک‌باغ
۱۶۹	 قلعه تپه
۱۷۰	 خاچکرو
۱۷۱	 کانسارهای باستانی ناصرآباد کجور
۱۷۱	 الف) ناصرآباد غربی
۱۷۶	 ب) کانسارهای ناصرآباد شرقی
۱۷۹	 تپه دگسم
۱۸۰	 قلاع کتی کینج

۱۸۱	قبرستان روستای کینج
۱۸۲	قلعه زار کلا
۱۸۳	محوطه زار کلا
۱۸۴	تپه لوله‌دیم
۱۸۵	قلعه قلاع
۱۸۷	قبرستان اسلامی پی‌ده
۱۸۸	دیوارک کندلوس
۱۸۹	آسیاب سنگی کندلوس
۱۸۹	محوطه گل‌کوپا
۱۹۰	تپه شورش ۱ (لکتور)
۱۹۲	محوطه آستان‌کروود
۱۹۳	محوطه کرچا
۱۹۴	کینج نو (قلعه کتی)
۱۹۶	تپه پاتخت شمالی
۱۹۷	تپه پاتخت جنوبی
۱۹۹	تپه چشمه دمال
۲۰۰	تپه گوری کیلک
۲۰۱	محوطه بازارسر
۲۰۲	تپه نیمور (۱)
۲۰۳	تپه نیمور (۲)
۲۰۵	تپه کلکسر
۲۰۵	تپه ماکولی
۲۰۶	تپه‌های کلوی شرقی و غربی
۲۰۷	تپه سیوچال
۲۰۸	تپه پل دره
۲۰۹	تپه تش خمن
۲۱۰	محوطه کمرین
۲۱۱	تپه ترک‌جار پایین

۲۱۲	تپه ترک‌جارِ بالا
۲۱۴	تپه قلعه کتی کوشکک
۲۱۵	غار اشکول
۲۱۶	محوطه پیدابک
۲۱۷	تپه کهنک
۲۱۹	محوطه چناربن
۲۲۰	محوطه رویان کهن
۲۲۲	قلعه کجور
۲۲۵	قلعه شاه‌دز (۱)
۲۲۶	قلعه شاه‌دز (۲)
۲۲۷	قلعه حمامه خُلْ شُکَر
۲۲۸	تپه آقمارسَر
۲۲۹	محوطه پی‌چلو
۲۳۰	قلعه تپه
۲۳۲	قلعه و قنات انگیل
۲۳۳	محوطه آفله خاجک
۲۳۶	محوطه جورانگاس
۲۳۸	محوطه کهنه‌ده
۲۳۹	محوطه کهنه‌ده کنگر
۲۴۰	کهنه‌نیتل
۲۴۱	قلعه کتی نیتل
۲۴۲	محوطه کرج
۲۴۴	محوطه قدیمی سَریوده
۲۴۵	قلعه یزدگرد
۲۴۶	تپه یزیدی
۲۴۷	پول تپه صالحان
۲۴۹	تپه هوازمین
۲۴۹	قلاع تپه

۲۵۰	محوطه سنگ‌سَر
۲۵۱	تپه پول‌کُتی
۲۵۲	تپه تَلارسر
۲۵۳	محوطه چنارعلی
۲۵۴	محوطه پل زر
۲۵۵	تپه قَلوشر
۲۵۷	وَرآزان
۲۵۷	تپه جورده فیروزکلای‌علیا
۲۵۹	تپه قلعه کتی روستای بین
۲۶۱	گورستان قدیمی روستای بین
۲۶۲	محوطه لُزیرک
۲۶۳	محوطه بهاربن
۲۶۷	فصل چهارم: بحث و برآیند
۲۷۳	فهرست بناها و محوطه‌ها
۲۷۹	جدول و نمودار
۲۸۱	نقشه‌ها
۲۸۹	کتاب‌نامه

فهرست تصاویرها

۵۴	تصویر ۱. امام‌زاده حمزه رضا، نمای جنوبی
۵۵	تصویر ۲. امام‌زاده حمزه رضا، نمای شرقی
۵۶	تصویر ۳. امام‌زاده محمد، نمای شرقی و جنوبی
۵۷	تصویر ۴. امام‌زاده محمد، نمای غربی
۵۹	تصویر ۵. امام‌زاده سیدعلی کیاسلطان، نمای شمالی و غربی
۵۹	تصویر ۶. امام‌زاده سیدعلی کیاسلطان، نمای جنوب شرقی
۵۹	تصویر ۷. امام‌زاده سیدعلی کیا سلطان، نمای شرقی
۶۰	تصویر ۸. امام‌زاده عبدالله، نمای شمالی
۶۰	تصویر ۹. امام‌زاده عبدالله، نمای جنوبی

۱۲ ♦ سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

- تصویر ۱۰. امام‌زاده نوح بن موسی کاظم، نمای جنوبی ۶۱
- تصویر ۱۱. منزل قدیمی خان اسلامی، نمای شمالی ۶۲
- تصویر ۱۲. منزل قدیمی خان اسلامی، نمای جنوبی ۶۳
- تصویر ۱۳. امام‌زاده فارس، نمای شمالی ۶۳
- تصویر ۱۴. امام‌زاده فارس، نمای جنوبی ۶۴
- تصویر ۱۵. امام‌زاده بلال، نمای جنوبی ۶۵
- تصویر ۱۶. امام‌زاده بلال، نمای غربی ۶۵
- تصویر ۱۷. طاووس خاتون، نمای شرقی ۶۶
- تصویر ۱۸. پیر آل نبی، نمای شمالی ۶۶
- تصویر ۱۹. امام‌زاده آمنه خاتون، نمای شمالی ۶۷
- تصویر ۲۰. امام‌زاده ابراهیم سلطان، نمای شمالی ۶۷
- تصویر ۲۱. امام‌زاده محمد نبی، نمای جنوبی ۶۸
- تصویر ۲۲. امام‌زاده سیدحسین، نمای شرقی ۶۹
- تصویر ۲۳. طاووس خاتون، نمای جنوبی ۷۰
- تصویر ۲۴. امام‌زاده خالد کیا سلطان، نمای جنوبی ۷۱
- تصویر ۲۵. امام‌زاده خالد کیا سلطان، نمای غربی ۷۲
- تصویر ۲۶. امام‌زاده سید بی‌بی خاتون، نمای شمالی ۷۳
- تصویر ۲۷. حمام قدیمی سنگ‌تجن، نمای کلی ۷۴
- تصویر ۲۸. قبرستان قدیمی سنگ‌تجن، نمای غربی ۷۵
- تصویر ۲۹. سنگ قبر قدیمی قبرستان سنگ‌تجن ۷۵
- تصویر ۳۰. محوطه موزی پشته، نمای شرقی ۷۶
- تصویر ۳۱. جاده سنگ‌فرش، نمای جنوبی ۷۹
- تصویر ۳۲. محوطه باستانی اوپی، نمای جنوبی ۸۰
- تصویر ۳۳. آب‌دنگ بندپی (بادی)، نمای غربی ۸۱
- تصویر ۳۴. محوطه پارینه‌سنگی بندپی ۸۲
- تصویر ۳۵. محوطه پارینه‌سنگی بندپی ۸۲
- تصویر ۳۶. غار (۱)، نمای دور ۸۴
- تصویر ۳۷. غار (۱)، نمای دهانه اول ۸۴

- تصویر ۳۸. غار ۲، نمایی از دهانه اول ۸۵
- تصویر ۳۹. غار ۲، نمایی از دهانه دوم ۸۶
- تصویر ۴۰. امام‌زاده جعفر سراولدین، نمای شمالی ۸۷
- تصویر ۴۱. امام‌زاده جعفر سراولدین، نمای جنوبی ۸۸
- تصویر ۴۲. امام‌زاده زید، نمای شمالی ۸۸
- تصویر ۴۳. امام‌زاده اسماعیل، نمای شرقی ۸۹
- تصویر ۴۴. حمام قدیمی فیروزآباد، نمای شمالی ۹۰
- تصویر ۴۵. امام‌زاده سلیمان و دو فرزند، نمای غربی ۹۱
- تصویر ۴۶. امام‌زاده قاسم، نمای جنوبی ۹۱
- تصویر ۴۷. امام‌زاده عبدالله، نمای جنوبی ۹۳
- تصویر ۴۸. امام‌زاده جعفر، نمای شمالی ۹۴
- تصویر ۴۹. امام‌زاده جعفر، نمای شرقی ۹۴
- تصویر ۵۰. امام‌زاده جعفر، نمای شرقی ۹۴
- تصویر ۵۱. امام‌زاده ابراهیم، نمای جنوبی ۹۵
- تصویر ۵۲. آسیاب سنگی، نمای جنوبی ۹۷
- تصویر ۵۳. بقعه درویش رستم (ملک بهمن)، نمای شمالی ۹۹
- تصویر ۵۴. بقعه درویش رستم (ملک بهمن)، نمای جنوبی ۹۹
- تصویر ۵۵. بقعه درویش رستم (ملک بهمن)، نمای شرقی ۱۰۰
- تصویر ۵۶. بقعه درویش رستم (ملک بهمن)، نمای غربی ۱۰۰
- تصویر ۵۷. بقعه شهر آگیم، نمای شمالی ۱۰۲
- تصویر ۵۸. بقعه شهر آگیم، نمای جنوبی ۱۰۲
- تصویر ۵۹. بقعه شهر آگیم، نمای شرقی ۱۰۲
- تصویر ۶۰. بقعه شهر آگیم ۱۰۳
- تصویر ۶۱. حمام قدیمی پی‌ده، نمای غربی ۱۰۴
- تصویر ۶۲. آسیاب قدیمی پی‌ده، نمای شرقی ۱۰۵
- تصویر ۶۳. امام‌زاده سیدمهدی، نمای جنوبی ۱۰۶
- تصویر ۶۴. حمام قدیمی میرکلا، نمای جنوبی ۱۰۷
- تصویر ۶۵. امام‌زاده افضل فاضل، نمای شمالی ۱۰۸

- تصویر ۶۶. امام‌زاده افضل فاضل، نمای جنوبی ۱۰۹
- تصویر ۶۷. امام‌زاده افضل فاضل، نمای شرقی ۱۰۹
- تصویر ۶۸. امام‌زاده افضل فاضل، نمای غربی ۱۰۹
- تصویر ۶۹. امام‌زاده احمد، نمای جنوبی ۱۱۰
- تصویر ۷۰. امام‌زاده چهل تن، نمای جنوبی ۱۱۰
- تصویر ۷۱. امام‌زاده علی، نمای شمالی ۱۱۲
- تصویر ۷۲. امام‌زاده علی، نمای غربی ۱۱۳
- تصویر ۷۳. خانه قدیمی شیخ الاسلامی، نمای غربی ۱۱۴
- تصویر ۷۴. امام‌زاده علی اصغر، نمای شمالی ۱۱۶
- تصویر ۷۵. امام‌زاده محمد کیا سلطان، نمای شرقی ۱۱۹
- تصویر ۷۶. حمام قدیمی اوئل، نمای شرقی ۱۱۶
- تصویر ۷۷. حمام قدیمی اوئل، نمای غربی ۱۱۸
- تصویر ۷۸. بقایای حمام، تیان گربه‌رو شرقی ۱۱۹
- تصویر ۷۹. بقایای حمام، تیان گربه‌رو شمال شرقی ۱۱۹
- تصویر ۸۰. بقایای دیوار سنگی حمام ۱۲۰
- تصویر ۸۱. امام‌زادگان یوسف و حسین، نمای جنوبی ۱۲۱
- تصویر ۸۲. مقبره درویش‌امیر در ناسنگ، نمای جنوبی ۱۲۴
- تصویر ۸۳. مقبره درویش‌امیر در ناسنگ، نمای شرقی ۱۲۵
- تصویر ۸۴. بقایای گنبد درویش‌امیر در ناسنگ، نمای غربی ۱۲۶
- تصویر ۸۵. امام‌زاده حسن، نمای شمالی ۱۲۷
- تصویر ۸۶. امام‌زاده حسن، نمای جنوبی ۱۲۷
- تصویر ۸۷. امام‌زاده حسن، نمای غربی ۱۲۷
- تصویر ۸۸. سفال‌های محوطه شیخ ده ۱۲۸
- تصویر ۸۹. امام‌زاده خالد الشعیب، نمای جنوبی ۱۲۹
- تصویر ۹۰. امام‌زاده حسن شهید، نمای جنوبی ۱۳۰
- تصویر ۹۱. امام‌زاده میرزا عمو، نمای شمالی ۱۳۱
- تصویر ۹۲. امام‌زاده عبدالله، نمای شمالی ۱۳۳
- تصویر ۹۳. بنای امام‌زادگان ابراهیم کیا سلطان و کیا خاتون، نمای جنوبی ۱۳۳

- تصویر ۹۴. امام‌زاده سید سیف‌الدین، نمای شمالی ۱۳۵
- تصویر ۹۵. امام‌زاده یحیی، نمای شمالی ۱۳۶
- تصویر ۹۶. امام‌زاده یحیی، نمای جنوبی ۱۳۶
- تصویر ۹۷. امام‌زاده یحیی، نمای شرقی ۱۳۶
- تصویر ۹۸. بنای امام‌زاده محمد انگاس، نمای شرقی ۱۳۷
- تصویر ۹۹. بنای امام‌زاده محمد نیتل، نمای جنوب شرقی ۱۳۸
- تصویر ۱۰۰. بنای امام‌زاده محمد نیتل، نمای شمال شرقی ۱۳۹
- تصویر ۱۰۱. امام‌زاده جعفر، نمای غربی ۱۴۱
- تصویر ۱۰۲. امام‌زاده جعفر، نمای شرقی ۱۴۱
- تصویر ۱۰۳. سفال‌های محوطه گورستان ۱۴۲
- تصویر ۱۰۴. بنای امام‌زاده طاهر مطهر، نمای شمالی ۱۴۵
- تصویر ۱۰۵. بنای امام‌زاده طاهر مطهر، نمای جنوبی ۱۴۵
- تصویر ۱۰۶. بنای امام‌زاده طاهر مطهر، نمای شرقی ۱۴۶
- تصویر ۱۰۷. حمام قدیمی روستای هزارخال، نمای غربی ۱۴۸
- تصویر ۱۰۸. بنای معروف به آتشکده ۱۴۹
- تصویر ۱۰۹. امام‌زاده محمد کیاسلطان، نمای شمالی ۱۵۲
- تصویر ۱۱۰. امام‌زاده محمد کیاسلطان، نمای جنوبی ۱۵۳
- تصویر ۱۱۱. امام‌زاده محمد کیاسلطان، نمای شرقی ۱۵۳
- تصویر ۱۱۲. امام‌زاده محمد کیاسلطان، نمای غربی ۱۵۳
- تصویر ۱۱۳. امام‌زاده ابراهیم، نمای شمالی ۱۵۴
- تصویر ۱۱۴. امام‌زاده ابراهیم، نمای جنوبی ۱۵۴
- تصویر ۱۱۵. امام‌زاده ولی، نمای شمالی ۱۵۵
- تصویر ۱۱۶. امام‌زاده ولی، نمای شرقی ۱۵۶
- تصویر ۱۱۷. امام‌زاده سیدعلی تلوازی، نمای شمالی ۱۵۵
- تصویر ۱۱۸. امام‌زاده سیدعلی تلوازی، نمای جنوبی ۱۵۷
- تصویر ۱۱۹. امام‌زاده سیدحسین، نمای جنوبی ۱۵۸
- تصویر ۱۲۰. امام‌زاده سیدحسین، نمای شرقی ۱۵۹
- تصویر ۱۲۱. بنای امام‌زادگان ابراهیم کیاسلطان و کیاخاتون، نمای جنوبی ۱۶۰
- تصویر ۱۲۲. امام‌زاده سیدمحمد، نمای شمالی ۱۶۱

- تصویر ۱۲۳. امام‌زاده جعفر، نمای جنوبی ۱۶۲
- تصویر ۱۲۴. تپه کینس، نمای شرقی ۱۶۳
- تصویر ۱۲۵. تپه پی‌قلعه، نمای غربی ۱۶۴
- تصویر ۱۲۶. گورستان چومر، نمای شمالی ۱۶۵
- تصویر ۱۲۷. محوطه کلم‌سر، نمای جنوبی ۱۶۶
- تصویر ۱۲۸. تپه جهان‌زار، نمای غربی ۱۶۷
- تصویر ۱۲۹. تپه ملک‌باغ، نمای شرقی ۱۶۹
- تصویر ۱۳۰. قلعه تپه، نمای جنوبی ۱۷۰
- تصویر ۱۳۱. تپه خاچکرو، نمای شمالی ۱۷۱
- تصویر ۱۳۲. کانسار ۱ ناصرآباد غربی ۱۷۲
- تصویر ۱۳۳. کانسار ۲ ناصرآباد غربی ۱۷۳
- تصویر ۱۳۴. کانسار ۳ ناصرآباد غربی ۱۷۳
- تصویر ۱۳۵. کانسار شماره ۴ ناصرآباد غربی، تونل عمودی ۱۷۴
- تصویر ۱۳۶. کانسار شماره ۵ ناصرآباد غربی ۱۷۵
- تصویر ۱۳۷. کانسار شماره ۶ ناصرآباد غربی ۱۷۵
- تصویر ۱۳۸. نمونه‌های سنگ معدن ناصرآباد غربی ۱۷۶
- تصویر ۱۳۹. کانسار شماره ۱ ناصرآباد شرقی ۱۷۷
- تصویر ۱۴۰. کانسار شماره ۲ ناصرآباد شرقی ۱۷۸
- تصویر ۱۴۱. نمونه‌هایی از سنگ‌های معادن ناصرآباد شرقی ۱۷۸
- تصویر ۱۴۲. تپه دگسم، نمای جنوبی ۱۷۹
- تصویر ۱۴۳. قلعه قلاع کتی کینج، نمای جنوبی ۱۸۱
- تصویر ۱۴۴. قبرستان کینج، نمای شمالی ۱۸۲
- تصویر ۱۴۵. قلعه زارکلا ۱۸۲
- تصویر ۱۴۶. سفال‌های قلعه زارکلا ۱۸۳
- تصویر ۱۴۷. سفال‌های محوطه زارکلا ۱۸۳
- تصویر ۱۴۸. محوطه لوله‌دیم ۱۸۵
- تصویر ۱۴۹. قلعه قلاع، نمای شمالی ۱۸۶
- تصویر ۱۵۰. قبرستان اسلامی پی‌ده، نمای جنوبی ۱۸۷
- تصویر ۱۵۱. سفال‌های خاکستری ۱۸۸

سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر ♦ ۱۷

- تصویر ۱۵۲. بقایای آسیاب سنگی کندلوس، نمای غربی ۱۸۹
- تصویر ۱۵۳. محوطه گِل کوبا، نمای شمالی ۱۹۰
- تصویر ۱۵۴. تپه شورش (لکتور)، نمای جنوبی ۱۹۱
- تصویر ۱۵۵. محوطه آستانکرو، نمای شمالی ۱۹۳
- تصویر ۱۵۶. محوطه کرجا، نمای شمالی ۱۹۴
- تصویر ۱۵۷. محوطه کنج نو (قلعه کتی)، نمای شمالی ۱۹۵
- تصویر ۱۵۸. تپه پاتخت شمالی، نمای شمالی ۱۹۶
- تصویر ۱۵۹. تپه پاتخت جنوبی، نمای شمالی ۱۹۸
- تصویر ۱۶۰. تپه چشمه‌دمال، نمای شمالی ۱۹۹
- تصویر ۱۶۱. تپه گوری کیلک، نمای جنوبی ۲۰۱
- تصویر ۱۶۲. محوطه بازار سر، نمای شمالی ۲۰۲
- تصویر ۱۶۳. تپه نیمور (۱)، نمای جنوبی ۲۰۳
- تصویر ۱۶۴. تپه نیمور (۲)، نمای شمالی ۲۰۴
- تصویر ۱۶۵. تپه کلکسر، نمای شمالی ۲۰۶
- تصویر ۱۶۶. سوراخ‌های تخته سنگ ۲۰۶
- تصویر ۱۶۷. سفال‌های کلوای شرقی و غربی ۲۰۷
- تصویر ۱۶۸. سفال‌های کلوای شرقی و غربی ۲۰۷
- تصویر ۱۶۹. تپه سیوچال، جبهه شرقی ۲۰۸
- تصویر ۱۷۰. تپه پل دره، جبهه جنوبی ۲۰۸
- تصویر ۱۷۱. محوطه تش خمن ۲۰۹
- تصویر ۱۷۲. سفال‌های تش خمن ۲۱۰
- تصویر ۱۷۳. محوطه کمرین ۲۱۱
- تصویر ۱۷۴. سفال‌های محوطه کمرین ۲۱۱
- تصویر ۱۷۵. محوطه ترک‌چار پایین ۲۱۲
- تصویر ۱۷۶. سفال‌های ترک‌چار پایین ۲۱۲
- تصویر ۱۷۷. محوطه ترک‌چار بالا ۲۱۴
- تصویر ۱۷۸. سفال‌های ترک‌چار بالا ۲۱۴
- تصویر ۱۷۹. قلعه کتی ۲۱۵
- تصویر ۱۸۰. دهانه غار آشکول ۲۱۶

۱۸ ♦ سیمای باستان‌شناختی و تاریخی شهرستان نوشهر

۲۱۷	 تصویر ۱۸۱. سفال محوطه پیدابک
۲۱۸	 تصویر ۱۸۲. محوطه کهنک
۲۱۸	 تصویر ۱۸۳. سفال محوطه کهنک
۲۱۹	 تصویر ۱۸۴. جبهه شمالی قلعه چنارین
۲۲۰	 تصویر ۱۸۵. سفال‌های جبهه شمالی قلعه چنارین
۲۲۱	 تصویر ۱۸۶. تنبوشه سفالی و سفال‌های رویان
۲۲۳	 تصویر ۱۸۷. قلعه کجور، جبهه شمالی
۲۲۳	 تصویر ۱۸۸. قلعه کجور، بقایای دیوارهای خشتی
۲۲۴	 تصویر ۱۸۹. سفال‌های قلعه کجور
۲۲۵	 تصویر ۱۹۰. محوطه قلعه شاه‌دز (۱)، نمای جنوبی
۲۲۸	 تصویر ۱۹۱. محوطه قلعه شاه‌دز (۲)، نمای غربی
۲۲۸	 تصویر ۱۹۲. قلعه حمامه خُل شُگر، نمای شمالی
۲۲۹	 تصویر ۱۹۳. تپه آقمارسَر، نمای شمالی
۲۳۱	 تصویر ۱۹۴. قلعه تپه، نمای شمالی
۲۳۲	 تصویر ۱۹۵. قلعه انگیل
۲۳۳	 تصویر ۱۹۶. مظهر کاریز و سفال‌های انگیل
۲۳۵	 تصویر ۱۹۷. نمای کلی از محوطه آفله از جبهه جنوب شرقی
۲۳۶	 تصویر ۱۹۸. بقایای سرباره و قطعات سفالی محوطه آفله
۲۳۶	 تصویر ۱۹۹. جورآنگاس، جبهه شمالی
۲۳۷	 تصویر ۲۰۰. سفال‌های جورآنگاس، جبهه شمالی
۲۳۷	 تصویر ۲۰۱. سقائفار امامزاده یحیی
۲۳۸	 تصویر ۲۰۲. محوطه کهنه‌ده، نمای شمالی
۲۳۹	 تصویر ۲۰۳. محوطه کهنه‌ده
۲۳۹	 تصویر ۲۰۴. یافته‌های محوطه کهنه‌ده
۲۴۱	 تصویر ۲۰۵. سفال کهنه‌نیل
۲۴۱	 تصویر ۲۰۶. قلعه کتی نیل
۲۴۲	 تصویر ۲۰۷. سفال قلعه کتی نیل
۲۴۳	 تصویر ۲۰۸. محوطه کرج
۲۴۳	 تصویر ۲۰۹. سفال‌های محوطه کرج

۲۴۶	تصویر ۲۱۰. قلعه یزدگرد، نمای غربی
۲۴۷	تصویر ۲۱۱. سفال‌های تپه یزیدی
۲۴۸	تصویر ۲۱۲. محوطه پول‌تپه
۲۴۸	تصویر ۲۱۳. یافته‌های محوطه پول‌تپه
۲۴۹	تصویر ۲۱۴. تپه هوازمین، نمای جنوبی
۲۵۰	تصویر ۲۱۵. قلاع‌تپه، نمای شمالی
۲۵۲	تصویر ۲۱۶. سفال سنگ‌سَر
۲۵۲	تصویر ۲۱۷. محوطه پول‌کتی
۲۵۳	تصویر ۲۱۸. محوطه تَلاسَر
۲۵۳	تصویر ۲۱۹. یافته‌های محوطه تَلاسَر
۲۵۴	تصویر ۲۲۰. محوطه چنارعلی
۲۵۴	تصویر ۲۲۱. سفال‌های چنارعلی
۲۵۵	تصویر ۲۲۲. سفال‌های پل زر
۲۵۶	تصویر ۲۲۳. محوطه قلوش
۲۵۶	تصویر ۲۲۴. یافته‌های محوطه قلوش
۲۵۷	تصویر ۲۲۵. سفال‌های ورازان
۲۵۸	تصویر ۲۲۶. قلعه جورده
۲۵۹	تصویر ۲۲۷. سقانفار به نام امامزاده سیف‌الدین
۲۶۰	تصویر ۲۲۸. تپه قلعه‌کتی‌بین، نمای غربی
۲۶۱	تصویر ۲۲۹. گورستان قدیمی روستای بین، نمای شمالی
۲۶۳	تصویر ۲۳۰. محوطه لَزیرک، نمای شمالی
۲۶۴	تصویر ۲۳۱. محوطه بهاربن، بقایای کوره باستانی
۲۶۵	تصویر ۲۳۲. محوطه بهاربن، بقایای سرباره‌های فلز

فهرست جدول و نمودار

۲۷۹	جدول ۱. آمار مربوط به پراکندگی محوطه‌های باستانی نوشهر براساس دوره
۲۸۰	نمودار ۱. تعداد محوطه‌های شناسایی‌شده براساس دوره

فهرست نقشه‌ها

- نقشه ۱. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به سطوح ارتفاعی ۲۸۱
- نقشه ۲. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به نوع مرتع ۲۸۲
- نقشه ۳. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به پوشش جنگلی ۲۸۳
- نقشه ۴. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به نوع اقلیم ۲۸۴
- نقشه ۵. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به فاصله از جاده ۲۸۵
- نقشه ۶. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به فاصله از رودخانه ۲۸۶
- نقشه ۷. نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی شهرستان نوشهر نسبت به میزان بارش ۲۸۷

سخن ناشر

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکرر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز تأمل نمود.

با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پررنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات به عمل آمده در هر یک از پژوهشکده‌ها به‌ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌تراز بین‌المللی است، به صورت ممکن به نشر درآید که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر اذعان می‌نماییم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد. لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و اساتید این رسالت را به انجام رساند و امید دارد با حرکت در این مسیر دست‌همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پیشگفتار

نزدیک به صدوسی سال از نخستین بررسی یا مطالعات باستان‌شناسی در مازندران توسط زمین‌شناس و مهندس معدن فرانسوی، ژان ماری ژاک دموورگان می‌گذرد که البته این بررسی‌ها فراتر از مطالعات باستان‌شناسی بود. از همین روی او این بررسی‌ها و مطالعات را در قالب مطالعات جغرافیایی، زبان‌شناسی، نژادشناسی، باستان‌شناسی، زمین‌شناسی و دیرینه‌شناسی به زبان فرانسه منتشر کرد. پس از دموورگان بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی چندی در مازندران انجام شد که در هر مرحله بخش‌هایی از این استان مورد پژوهش قرار گرفت (بنگرید به فصل دوم). با این حال نبود بررسی‌های جامع و فراگیر در استان مازندران برای روشن شدن وضعیت محوطه‌های باستانی همواره به عنوان یک نیاز ضروری احساس می‌شد. بر همین اساس برای پر کردن خلاء پژوهشی موجود، بررسی فراگیر و مرحله‌ای باستان‌شناسی استان مازندران در اولویت پژوهشی نگارنده قرار گرفت. از همین رو در نخستین گام بررسی باستان‌شناسی منطقه کجور شهرستان نوشهر در سال ۱۳۷۹ با حمایت دانشگاه مازندران آغاز شد. ادامه این پژوهش‌ها در سالیان بعد، نخست در سال ۱۳۸۳ در قالب طرح شناسایی و بررسی معادن و مراکز فلزگری باستان در دامنه‌های شمالی البرز با اولویت غرب مازندران، با حمایت دانشگاه تربیت مدرس، دنبال شد و سپس با اجرای طرح جامع تهیه نقشه باستان‌شناسی استان مازندران در سال ۱۳۸۷ با حمایت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به سرانجام رسید. در قالب طرح جامع تهیه نقشه باستان‌شناسی استان مازندران، بررسی باستان‌شناسی تمامی شهرستان‌های استان به مورد اجرا گذاشته شد و مناطق ساحلی نوشهر (دامنه شمالی رشته کوه البرز در محدوده جغرافیایی شهرستان نوشهر) برای نخستین بار و منطقه کوهستانی کجور به منظور تکمیل پژوهش پیشین مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

کتاب پیش‌رو حاصل نزدیک به بیست سال پژوهش نگارنده در منطقه مورد مطالعه است که امید می‌رود مورد استفاده علاقه‌مندان به فرهنگ درخشان این کهن دیار همواره ماندگار قرار گیرد. ذکر این نکته ضروری است که راقم این سطور هرگز ادعا ندارد که بررسی‌های انجام شده که حاصل آن در این کتاب گردآمده است، به شناسایی تمامی آثار و محوطه‌های باستانی موجود در منطقه مورد مطالعه منجر شده است. همچنانکه پژوهشگران باستان‌شناس آگاهی دارند، یکی از دشوارترین بررسی‌ها در پژوهش‌های میدانی، بررسی در مناطق جنگلی و عرصه‌های زیر کشت و پوشیده از علفزارها و گیاهان است. با توجه به شرایط اقلیمی منطقه به‌ویژه بخش ساحلی و جنگلی، امکان شناسایی آثار و مواد فرهنگی به‌جای مانده از پیشینیان در این مناطق بسیار سخت و گاهی ناممکن است. نگارنده با توجه به اشرافی که به منطقه دارد، اعتراف می‌کند که در ارتفاعات جنگلی منطقه و نیز در عرصه‌هایی که طی سالیان طولانی زیر کشت بوده‌اند آثار و بقایای روستاها، قلعه‌ها و سکونتگاه‌هایی از دوران پیش از تاریخ، دوران تاریخی و اسلامی وجود دارد که امکان شناسایی آنها، مگر به‌صورت اتفاقی، برای پژوهشگران تقریباً غیرممکن است. بر این اساس نگارنده هرگز ادعای آن را ندارد که پژوهش حاضر کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین مطالعه در زمینه باستان‌شناسی منطقه است. بدیهی است اطلاعات عرضه شده در این کتاب بی‌نقص نبوده و مقدمه‌ای است برای پژوهش‌هایی که در آینده توسط دیگر متخصصان و علاقه‌مندان به فرهنگ و پیشینه این دیار انجام خواهد شد. از این‌رو از تمامی صاحب‌نظران و پژوهشگرانی که این اثر را مطالعه خواهند کرد تقاضا دارم کاستی‌های این اثر را با نقد منصفانه به نویسنده اعلام نمایند تا در چاپ‌های آتی نسبت به رفع آنها اقدام شود.

ذکر این نکته تلخ را ضروری می‌دانم که نویسنده طی بررسی‌های انجام شده بر روی آثار و محوطه‌های تاریخی و باستانی منطقه که یادگارهای بی‌بدیل نیاکان خردمندان و به‌واقع شناسنامه‌های هویتی مردمان این سرزمین به‌شمار می‌روند، صحنه‌های دهشتناکی از تخریب برخی از آثار ارزشمند این شهرستان نظیر مقبره درویش امیر ناسنگ و ... را شاهد بودم که دل هر بیننده‌ای که به فرهنگ و هویت ملی خود دلبستگی دارد به‌درد خواهد آورد. بدون شک جهل و ناآگاهی اصلی‌ترین عامل در بروز این گونه اتفاقات تلخ و جبران‌ناپذیر است. از این‌رو

امید آن دارم اثر حاضر بتواند ضمن معرفی و آگاهی‌بخشی در خصوص میراث ارزشمند تاریخی و باستانی منطقه به همه ساکنان این خطه، به‌ویژه جوانان عزیز که سرمایه‌های اصلی این سرزمین‌اند، عزم آنان را در شناخت بیشتر و عمیق‌تر نسبت به پیشینه تاریخی و هویتی خود قوی‌تر کرده و پاسداشت و حراست از این میراث را تبدیل به معرفت و نیاز عمومی بگرداند.

این کتاب شامل ۴ فصل است. در فصل یکم به جغرافیا و تاریخ مازندران و نوشهر پرداخته شده است و تاریخ مازندران و نیز نام این پهنه از سرزمین ایران بررسی شده است. در فصل دوم از پیشینه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در مازندران سخن گفته می‌شود و فصل سوم که اصلی‌ترین بخش این کتاب است به آثار و محوطه‌های شناسایی‌شده در بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان نوشهر می‌پردازد. واپسین فصل، بحث و برآیند است و در پایان نیز فهرست نام محوطه‌ها، نقشه‌ها و نمودارهای مرتبط با محوطه‌ها آورده شده است.

در انتشار این اثر دوستان، همکاران و دانشجویان عزیزی یاریگر اینجانب بوده‌اند که لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را نسبت به آنان اعلام دارم. اگرچه ذکر نام یکایک آنان در این مقال نمی‌گنجد، یاد تنی چند از آنان که بیشترین کمک را به اینجانب کرده‌اند، شرط ادب و اخلاق می‌دانم. مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را از دوست و برادر ارجمندم جناب آقای دکتر رحمت عباس‌نژاد که در مراحل مختلف پژوهش‌های میدانی منطقه یار و همراه اینجانب بوده‌اند و همواره از مشورت‌های ارزشمندشان بهره‌برده‌ام، اعلام می‌دارم. از جناب آقای دکتر حسن هاشمی زرج‌آباد که در اجرای طرح بررسی باستان‌شناسی منطقه کجور در سال ۱۳۷۹ به عنوان دانشجوی کارشناسی‌ارشد همکاری ارزشمندی را با گروه بررسی داشته‌اند، سپاسگزارم. همچنین قدردان تلاش‌ها و زحمات شبانه‌روزی جناب آقای دکتر محمود حیدریان، جناب آقای دکتر محمد قمری و تمامی دانشجویان عزیزی هستم که در اجرای طرح تهیه نقشه باستان‌شناسی استان مازندران در سال ۱۳۸۷ مشارکت فعالانه داشتند. از همکار گرامی جناب آقای دکتر حامد وحدتی‌نسب که عکس‌های محوطه پارینه‌سنگی بندپی را از آرشیو شخصی خود در اختیار اینجانب قراردادند، نهایت سپاسگزاری را ابراز می‌دارم. تلاش‌های ارزشمند تمامی راهنمایان محلی به‌ویژه آقایان سیدحسن حسینی و خسرو خزایی را در طول مدت بررسی میدانی منطقه کجور ارج می‌نهم.

در پایان از جناب آقای دکتر بهروز عمرانی رئیس محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سرکار خانم دکتر منیژه هادیان معاون محترم پژوهشی پژوهشگاه، آقای دکتر روح‌الله شیرازی رئیس محترم پژوهشکده باستان‌شناسی، آقای دکتر حسین عزیزی مدیر محترم پژوهشی پژوهشگاه و آقای سلیمی مدیر محترم و پرتلاش مرکز معرفی فرهنگی پژوهشگاه بابت حمایت همه جانبه در زمینه انتشار کتاب حاضر تقدیر و تشکر می‌نمایم. در پایان مراتب امتنان خود را از همه دوستان و همکاران ارجمندی که به‌نحوی در انتشار این اثر مرا یاری کرده‌اند، ابراز می‌دارم.

سیدمهدی موسوی کوهپر

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

فصل یکم

مروری بر جغرافیا و تاریخ مازندران و نوشهر

الف) جغرافیا

استان مازندران ۲۳۷۵۶/۴ کیلومتر مربع مساحت دارد که ۱/۴۶ درصد از مساحت ایران را دربرمی گیرد (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۳۳). استان مازندران از شمال به دریای مازندران، از سمت شرق و غرب به ترتیب به استان های گلستان و گیلان و از جنوب به استان های تهران و سمنان محدود می شود که در مختصات جغرافیایی $35^{\circ} 46'$ تا $36^{\circ} 58'$ عرض شمالی و $50^{\circ} 21'$ تا $54^{\circ} 08'$ طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است (اطلس راهنمای استان های ایران، ۱۳۸۴: ۵۱).

استان مازندران در سرتاسر شمال خود با دریای کاسپی در تماس است، بنابراین و با توجه به وجود پنج کشور حوزه این دریا می توان استان مازندران را به نوعی استان مرزی محسوب کرد. ترکمنستان در شرق دریای کاسپی به لحاظ فاصله نزدیک ترین همسایه خارجی استان مازندران محسوب می شود. جمهوری آذربایجان در غرب این دریا، جمهوری قزاقستان در شرق و شمال و جمهوری فدراتیو روسیه در شمال غرب و غرب دریای کاسپی به ترتیب نزدیک ترین همسایگان خارجی مازندران محسوب می شوند.

شهرستان های استان به جز کلاردشت، آمل، بابل، قائم شهر و سوادکوه، با دریا مرز ساحلی دارند. قسمت هموار و جلگه ای مازندران، سرزمینی هلالی شکل است که از دامنه های قسمت کوهستانی استان شروع و به کناره های دریا ختم می شود. بقایای چین خوردگی های دوران سوم در کوهپایه های مازندران و بقایای آبرفت های قدیمی، کوهستان و ارتفاعات جنوب

استان را به جلگه وصل می کند و در همین مناطق، رودهای متعدد، تقریباً به موازات هم از کوهستان به سوی جلگه و دریا روان هستند (اطلس زمین شناسی، ۱۳۸۲: ۶-۷؛ ۲۲-۲۳).

البرز همچون دیواره ای قوسی شکل و عظیم، استان مازندران را از استان های مرکزی و جنوبی ایران جدا می سازد. این رشته کوه، دارای چندین رشته کوه موازی و دارای قله های متعددی است که مرتفع ترین آنها در غرب استان، علم کوه، تخت سلیمان، آزادکوه، سیاه کمان و... هستند که همه آنها ارتفاعی بیش از ۴۰۰۰ متر دارند (فرهنگ جغرافیایی کوه های کشور، ۱۳۷۹، جلد ۴: ۳۱۳-۳۱۴). در جنوب استان نیز قله دماوند به ارتفاع ۵۶۴۱ متر واقع است که بلندترین کوه استان مازندران و ایران به شمار می آید (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۲۴).

رشته کوه البرز همچون سدی در جنوب مازندران کشیده شده است و از ورود رطوبت دریا به نواحی مرکزی جلوگیری می کند. همین رطوبت در دامنه های شمالی البرز بارندگی های فراوانی پدید می آورد و موجب پدید آمدن دو گونه آب و هوا در این استان می شود. نخست آب و هوای معتدل و مرطوب جلگه ای است که جلگه غربی و بخشی از مناطق میانی استان این گونه آب و هوا را دارد (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۳۳). در این منطقه متوسط بارش سالانه در کرانه های پست دریا، حدود ۱/۱۵۴ میلی متر است (علیجانی، ۱۳۹۹: ۳۸۶). دوم آب و هوای کوهستانی است که در دامنه جنوبی و بلند البرز به دلیل وجود بلندی ها، آب و هوای معتدل کوهستانی غالب است (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۳۳). دشت و جلگه، جنگل، مرتع، کوهستان و تپه های سرسبز دامنه ها، مرداب ها و دریاچه های کوچک و بزرگ، رودخانه ها و جویبارهای فصلی و دائمی، جغرافیایی ظاهری و متنوع این استان را تشکیل می دهند (نیساری، ۱۳۵۰: ۲۰۲).

مناطق جلگه ای استان مازندران به دلیل موقعیت مکانی خود، دارای آب و هوایی متأثر از همسایگی با کرانه های دریای کاسپی است. کناره های کم عرض ساحلی حد فاصل کوهستان البرز و دریای مازندران، اصولاً دارای آب و هوایی معتدل و مرطوب است. تقریباً در تمام ماه های سال میزان بارش بیش از میزان تبخیر است و مقایسه سالانه دما در ایستگاه های سواحل جنوبی دریای مازندران با یکدیگر وضع متعادلی را بیان می کند (نجفی کانی، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۲).

هر چه به جنوب استان یعنی به کوهپایه‌ها نزدیک می‌شویم از میزان گرما کاسته شده و در نواحی کوهستانی سرما و یخبندان‌های طولانی (۱۸۰ روز در سال)، حاکمیت دارد و حتی در ارتفاعات جنوب استان به‌ویژه قله دماوند برف و یخبندان دائمی قابل مشاهده است (اطلس زمین‌شناسی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۵).

استان مازندران به دلیل برخورداری از اقلیم مرطوب و فراوانی بارش که تعدد و تراکم جریان‌ات سطحی و رودخانه‌های دائمی را موجب شده و همچنین پوشش گیاهی غنی و جلگه‌های آبرفتی شکل گرفته در حد فاصل دریا تا کوهستان، سفره‌های آب زیرزمینی مناسبی دارد.

دریای کاسپی با حدود ۴۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین دریاچه جهان به شمار می‌آید (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۳۴). این دریا در بین کشورهای ایران، آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان واقع شده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در آب‌وهوای استان دارد. عمق این دریا از شمال به جنوب افزایش یافته به‌طوری که عمق متوسط نواحی شمالی فقط ۶ متر ولی در جنوب و جنوب غربی کرانه‌های ایران (آذربایجان) حداکثر به ۱۰۰۰ متر می‌رسد. حوضه جنوبی دریای کاسپی زیستگاه ۵۳ جنس از ۷۹ گونه ماهی است.

بخش غربی استان نسبت به شرق آن، از بارندگی و رطوبت بیشتری برخوردار است. میزان بارش سالیانه در بخش غربی بین ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ میلی‌متر است (سجادی، ۱۳۷۸: ۲۸). پاییز پرباران‌ترین و بهار کم‌باران‌ترین فصل سال است (علیجانی، ۱۳۷۲: ۸۸).

در استان مازندران رودخانه‌های کوچک و بزرگ زیادی جریان دارند که همگی از کوه‌های البرز سرچشمه می‌گیرند و پس از سیراب کردن دشت‌های مسیر خود، به دریای کاسپی می‌ریزند. این استان تقریباً در زیر حوضه‌های رودهای چالوس، هراز، تالار-بابل‌رود و نکا-تجن واقع شده و رودهای گوناگون کوچک و بزرگ دیگری نیز در آن جاری است (فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ۱۳۸۲، جلد ۲: ۱۷۵، ۲۱۱، ۲۲۵ و ۲۳۷). چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، قنات‌ها و چشمه‌ها از دیگر منابع آب در استان مازندران هستند. واقع شدن در کنار دریای مازندران و رشته کوه‌های البرز و برخورداری از پست‌ترین دشت‌ها تا مرتفع‌ترین کوه‌ها و قله‌ها، شرایط آب‌وهوایی خاصی را بر منطقه شمال ایران و از جمله استان مازندران حاکم

کرده و به دنبال آن پوشش های گیاهی متنوعی همچون جنگل های انبوه، چمنزار و استپ را به آن بخشیده است. با این حال پوشش های گیاهی استان به دو دسته کلی جنگل و مرتع قابل تقسیم است. مساحت این جنگل ها در سال ۱۳۹۶ برابر با ۱۱۰۷۲۵۶ هکتار برآورده شده است. همچنین مراتع مازندران ۵۸۵۰۲۲ هکتار برآورد شده است که از دید جغرافیایی به مراتع ییلاقی و مراتع قشلاقی و مراتع میان بند تقسیم می شوند (سالنامه آماری مازندران، ۱۳۹۶: ۲۴ و ۳۴). پوشش جانوری استان مازندران نیز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و آب و هوایی و تنوع پوشش های گیاهی، متنوع است و در طیفی از جانوران و پرندگان کوهستانی، جنگلی، جلگه ای، استپی و همچنین پرندگان مهاجر و ماهیان و آبزیان مختلف قرار می گیرند.

ب) تاریخ

پتشخوارگر، کهن ترین نامی است که بر دامنه های شمالی البرز کوه اطلاق شده است. این واژه به صورت های گوناگون در سنگ نبشته های باستان و نوشته های پیشینیان ثبت و ضبط شده است. پتشخوارگر از زمان هخامنشیان به منطقه کوهستانی پهناور البرز اطلاق می شد و تا زمان ساسانیان استفاده شده است (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۳۵). نیزه دار همایونی در سنگ نبشته داریوش در نقش رستم پیشواریش نام دارد (Kent, 1954: 211). در سنگ نبشته بیستون نیز از جایی به نام پتشواریش نام برده شده است (مشکور، ۱۳۴۵: ۱۰۱) که بی گمان منظور از آن همان پتشخوارگر است. واژه پتشخوارگر که معرف سرزمین شمالی ایران است به صورت های دیگری نیز همچون فرشودجر، پدشخوارگر، فدشوارجر، پتشخوارکوه، پرشوادگر، پریشوادگر، پریشوارطورا و تشخوارگر آورده شده است (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۶).

از میان این گونه ها از همه درست تر و اصلی تر گونه «پتشخوارگر» است که برابر با گونه پهلوی آن است. پتشخوارگر خود از سه واژه ترکیب شده است: پتش = پیش، مقابل (در پهلوی: پتیش یا پتش و در اوستایی: پیتیش و در پارسی باستان: پتیش) + خوار (نام ناحیتی است) + گر، که بی گمان به معنی کوه یا کوهستان است. درباره معنی اخیر واژه گر، ابن اسفندیار می گوید: «متقدمان گفته اند به حکم آنکه جر به لغت قدیم کوهستان باشد که بر او کشت توان کرد و درختان و بیشه باشد، سوخرایان را در قدیم جر شاه لقب بود یعنی ملک

الجبال». همچنین در بندهشن سخن از «بغ گر» یعنی کوه خدایان رفته که دژ آهنین زیرزمینی افراسیاب در آنجا بوده است (Ankelsaria, 1965: 79 بر گرفته از مهجوری، ۱۳۸۱: ۳۹).

استرابو یونانی بخش‌های شمالی البرزکوه، از ارمنستان تا آن سوی مرزهای شرقی گرگان، را پرخواترس یا پرخواترس نامیده است (راینو، ۱۳۶۵: ۲۲۵) چنانکه آورده است: «در بخش‌های شمالی این رشته کوه‌ها (البرز کنونی)، گله‌ها (گیلانی‌ها) و کادوسی‌ها و آماردها می‌زیند که پیش از این گفته آمد ... از آنجا به سوی خاور و جیحون که پیش رویم به قوم پارت برمی‌خوریم و سپس به قوم مرگیان (مرو)، سپس ناحیه‌ای بیابانی است که رود سربنوس آن را از هیرکانیا (گرگان) جدا می‌سازد. این رشته کوه که از ارمنستان تا حدود این بیابان کشیده شده پرخواتراس نامیده می‌شود.» (مهجوری، ۱۳۸۱: ۴۳) که می‌توان این پرخواترس را یونانی شده پتسخوارگر دانست.

جغرافیایونیسان و مورخان دوره‌های اسلامی حد و حدود مختلفی را برای این منطقه قائل شده‌اند، ابن اسفندیار در تاریخ تبرستان درباره‌ی پتسخوارگر می‌نویسد: عیش کن به سلامت (ابن اسفندیار ۱۳۲۰: ۵۶) و در جای دیگر آورده است که بعضی از اهل تبرستان در معنی فرشوادجر می‌گویند که فرش به معنی هامون، واذ یعنی کوهستان و گر یا جر به معنی دریاست و فرشوادگرشاه به معنی پادشاه کوه و دشت و دریاست (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۳۹). مجتبی مینوی درباره‌ی فرشوادجر چنین می‌گوید که اصل کلمه‌ی فرشوادجر، پدشخوارگر بوده و آن نام کوه‌های جنوبی تبرستان بوده که خوبه واو تبدیل شده است چنانکه واژه‌ی دشخوار نیز به دشوار بدل شده است (مینوی، ۱۳۱۱: ۵۱).

در کارنامه‌ی اردشیر بابکان نیز از پتسخوارگر یاد شده است که اردشیر با یاری سپاهیان آنجا و چند سرزمین دیگر و نیز فرّه‌ی کیانی بر اردوان پیروز شد، چنانکه آمده است: «اردوان از گُسته گُسته (از هر سو) چون از ری، دماوند، دیلمان و پتسخوارگر سپاه و آخور (آذوقه، خوراک ستوران) خواست. از آن چون خرّه‌ی کیان با اردشیر بود اردشیر پیروزی یافت.» (فره‌وشی، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۸). پروکوپوس مورخ نیز هنگامی که از کیوس برادر مهتر خسروانوشیروان سخن می‌گوید لقب او را پتشیوارشاه می‌نویسد (مشکور، ۱۳۴۵: دوازده).

بااین حال تبرستان یا طبرستان، تپورستان یا تپوران به بخشی از سرزمین‌های میان کوه‌های

البرز و دریای مازندران نیز گفته می‌شده است. نام تبرستان معرب نام تپورستان بوده است. گونه تپورستان که موسی خورنی در جغرافیای ایرانشهرش آورده است برابر با تپورستان سکه‌های ساسانی و آغاز فرمانروایی کشورگشایان تازی است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۴۵). مارکوارت بر این باور است که تپوران همچون کاسیان و ماردها از مردمان بومی سرزمین کرانه‌های دریای کاسپی بوده‌اند که تیره‌های مهاجر ایرانی، آنان را به سرزمین‌های کوهستانی عقب راندند که سپس تر به فرهنگ ایرانی پابند و به دین مزدیسنی باورمند شدند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۴۵). تپوریان تیره‌ای نامیده شده‌اند که در دوره فرهاد یکم اشکانی از پرتوه به مناطق مرکزی جنوب دریای کاسپی کوچانده شدند. تپورها همراه با قوم آمارد، با آریایی‌ها درآمیخته شدند (Brunner, 1983: 766). اگرچه در سنگ‌نبشته‌های ایرانی مربوط به دوره هخامنشی و اشکانی هیچ‌گاه نامی از تپوریان نیامده است، نویسندگان یونانی در متن‌هایشان به آنان پرداخته‌اند؛ چنانکه استرابو جغرافیانگار یونانی در کتابش از تپوریان یاد کرده است «تپیری‌ها (تپوری‌ها) و مردها (آماردها) جامه سیاه می‌پوشند و موهای بلند دارند و بالعکس زنان لباس و موی کوتاه و کسی که از دیگران دلبرتر باشد با هر زنی که بخواهد می‌تواند ازدواج کند» (استرابو، ۱۳۸۱: ۴۵).

اشاره به تبرستان سپس تر در دوره ساسانی دیده می‌شود، چنانکه تنسر موبد موبدان اردشیر یکم در نامه‌ای که به شاه طبرستان نوشت او را به‌عنوان شاهزاده تبرستان، فدشوارگر، جیلان، دیلمان، رویان و دناوند مورد خطاب قرار می‌دهد (بنگریه به مینوی و رضوانی، ۱۳۵۴: ۴۹). بااین حال لسترنج چنین می‌گوید که طبر در زبان بومی مردم مازندران به معنی کوه است، بنابراین طبرستان به معنی ناحیه کوهستانی است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۹۴).

شمار اندکی از مورخان در تشریح نامگذاری و وجه تسمیه این منطقه افسانه‌پردازی کرده‌اند. چنانکه زکریا بن محمد قزوینی در *آثار البلاد و اخبار العباد* در سده ششم هجری قمری می‌نویسد که در زمان یکی از پادشاهان ایرانی، زندان‌ها مملو از جنایتکاران شد. سران مملکت به دلیل کمبود اعتبارات مالی و بودجه، آنان را در منطقه‌ای که هیچ نامی بر خود نداشت تبعید کردند. برای نامگذاری آنجا پس از مشورتی چند به این نتیجه رسیدند که از آنجا که آن جنایتکاران انسان نیستند، پس نمی‌توان آنجا را انسانستان نام نهاد بلکه چون آنها

در جنگل‌های همان تبعیدگاه به اجبار به کار تبرزنی و قطع درختان مشغول‌اند لذا بهتر آن است که اسم آن سرزمین را تبرستان نامید؛ چرا که آنچه که ارزش دارد تبری است که در دست آنان است (قزوینی، ۱۳۶۶: ۱۷۶-۱۷۸). هر پژوهنده با تأمل و دقتی که به این روایت تاریخی عجیب برخورد کند به میزان ارزش و اعتبار گزارش‌های تاریخی این مورخ پی خواهد برد.

طبرستان یا تبرستان که به زبان پهلوی و در تاریخ‌های باستان پورستان نامیده شده، در دو سده نخست و دوم هجری در سکه‌هایی که به سکه‌های عرب‌ساسانی نامیده شده‌اند نیز با خط پهلوی تاپورستان نامیده شده است (شایان، ۱۳۵۸: ۱۹) بنابراین تبرستان از اواخر حکومت اشکانیان و در دوران پادشاهی ساسانیان بخش مستقل جغرافیایی از ایرانشهر بوده است (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۱۹).

اسپهبدان محلی تبرستان تا حدود دو سده پس از آمدن اسلام، سکه‌هایی به نام خود ضرب می‌کردند. ساری و آمل دو محل مهم ضرب این سکه‌ها بودند. تعیین حد و مرز جغرافیایی و محل‌های تبرستان از طریق سکه‌های ضرب‌شده امکان‌پذیر است (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۳۸).

نام تبرستان اما سپس‌تر به مازندران تغییر می‌یابد. تبرستان تا تقریباً عهد سلجوقی به همین نام خوانده می‌شده است. مشکور چنین بیان می‌کند که نام مازندران که در شاهنامه فردوسی به صورت یک ایالت داستانی و جایگاه دیو سپید، یاد شده است، از زمان سلجوقیان به موازات نام طبرستان به کار رفته است (مشکور، ۱۳۴۵: نه) و آرام‌آرام مازندران جایگزین تبرستان می‌شود، چنانکه لسترنج بر این باور است که از سده هفتم تقریباً همزمان با فتنه مغول، نام طبرستان دیگر به کار نمی‌رود و واژه مازندران جای آن را می‌گیرد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۹۴). یاقوت حموی چنین می‌گوید که نمی‌داند نام مازندران از چه زمانی به کار رفته است و با اینکه او در کتاب‌های قدیم اثری از این نام نیافته کاربرد آن در آن زمان همه‌جا رایج بوده است. طبرستان و مازندران مترادف و به یک معنی بوده‌اند اما در همان حال که نام طبرستان به همه نواحی کوهستانی و زمین‌های پست ساحلی گفته می‌شد واژه مازندران بر منطقه پست ساحلی که از دلتای سفیدرود تا جنوب شرقی دریای کاسپی امتداد دارد، اطلاق می‌شد که سپس‌تر نام مازندران به همه نواحی کوهستانی و ساحلی اطلاق شده است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۹۴).

نام مازندران را با ایندره ایزد آریایی یا هندی ایرانی در پیوند دانسته‌اند. می‌دانیم که ایندره یکی از بزرگ‌ترین ایزدان هندی است که در ریگ‌ودا بارها به آن اشاره شده و ایزد آذرخش و تندر و جنگ و پیروزی بوده است (یارشاطر، ۱۳۳۰: ۴۳۳). اما ایندره در اوستا، چنان نیست که در ریگ‌ودا هست. ایندره در اوستا سردسته دیوان اهریمنی است چنانکه در جزء نهم فرگرد دهم و نندیداد نام ایندره در کنار دیگر دیوانی چون سورو، نانگهتیا و در جزء ۴۳ از فرگرد نوزدهم در کنار توروی و زایری آمده است. همچنین او هم‌اورد اردیبهشت است که در روز رستاخیز اردیبهشت او را شکست خواهد داد (یارشاطر، ۱۳۳۰: ۴۳۴). صادق کیا بر این باور است که نام مازندران از سه جزء (مز) maz به معنی بزرگ، (ایندره) indra نام ایزد آریاییان و پسوند (آن) که در ساختن نام‌جای بسیار کاربرد دارد، تشکیل شده است. چنانکه در ادبیات سنسکریت نیز mabêndrá ایندره بزرگ نام کوه یا رشته‌کوهی و نیز رودخانه‌ای است (کیا، ۱۳۵۳: ۳۲).

تئودور نلدکه مازندران را به معنی در مازن قلمداد می‌کند (مشکور، ۱۳۴۵: هشت). دارمستتر نیز بر این باور است که صورت اصلی مازندران، مزن‌تر بوده است که به معنی به سوی و جانب مازن است، همچون شوشتر که معنی به سوی شوش است (Darmesteter, 1892, Vol, 2: 373 برگرفته از مشکور، ۱۳۴۵: هشت). مزن‌تر یا مزندر در نوشته‌های تورفانی آمده است که به معنی بزرگ‌تر، غول‌تر است. dar یا tar پسوند صفت تفصیلی است و آن می‌تواند پسوند مکان و جایگاه باشد. از این‌رو مزندران یا مازندران به معنی سرزمین بزرگ‌ترها یا غول‌ترهاست (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲: ۲۴). بنابراین اسماعیل‌پور با دیدگاه صادق کیا همداستان نیست و با استناد به بارتولومه که جزء نخست mazan را به معنی دیو و غول قلمداد کرده و نیز با اشاره به متن‌های مانوی که در آنها mazandar به معنی غول‌تر آمده است، مازندران را سرزمین بزرگ‌ترها و غول‌ترها می‌داند (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲: ۲۴). به‌هرروی چه با دیدگاه صادق کیا همداستان باشیم و چه با دیدگاه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، می‌دانیم که در اوستا بارها از دیوان مازنی یاد شده است چنانکه بند ۲۲ آبان یشت از دیوان مازن یاد می‌کند و نیز در دینکرد که از سوتکرنسک نقل می‌کند چنین آمده است: «دیوان مازندران موجوداتی شگفت‌انگیز و سترگ‌پیکر هستند که در غارها سکونت دارند و از فرط بلندبالایی و تنومندی

آب دریا تا میانه سینه ایشان است و اگر در گودترین جای دریا بایستند آب برابر دهان ایشان خواهد بود» (مشکور، ۱۳۴۵: هشت). دگربار در دینکرد به نقل از سوتکرنسک می‌خوانیم که کاووس کارهای بزرگی انجام داده است که همانا یکی از آنها «ساختنش هفت خانه بر میانه البرز و بس دیو مزن را از تباه کردن جهانی بازداشتن» است (بهار، ۱۳۶۲: ۱۵۵). نیز در دینکرد می‌خوانیم که ایزد سروش «هر شب مردمی را سه بار به همه شب بر ضد دیوان مازندر راهنمایی می‌کند که از بیم دیوان ستوه نبوند» (بهار، ۱۳۶۲: ۱۱۱). در بندهشن نیز از نبرد دیوان مازنی و دروجان و مزنی‌ها با ایزدان و بغان و امشاسپندان (بهار، ۱۳۶۲: ۶۰) و نیز از غریدن دیوان مازنی گفته شده است (بهار، ۱۳۶۲: ۵۵). همچنین در اوستا شش بار از سرزمینی به نام ورنه، به‌عنوان پناهگاه دیوان مازنی نام برده شده است (پوردادود، ۱۳۵۸: ۳). چنانکه می‌خوانیم: «می‌ستاییم فروهر هوشنگ پیرو نظام هستی و دلیر را، برای پایداری در برابر دیوان مَزَندَری و دشمنان نظام هستی در ورنه و برای پایداری در برابر آزاری که از دیوان سر می‌زند» (فروردین‌یشت بند ۱۳۷). فرگرد نخست وندیداد از ورنه به‌عنوان چهاردهمین سرزمینی یاد می‌کند که اهورامزدا آفریده است. در زامیادیشست کرده ۶ بند ۲۹ چنین آمده است: «فری که دیر زمانی از آن هوشنگ پیشدادی بود که دو ثلث از دیوهای مازندران و دروغ‌پرستان ورن را برانداخت» (پوردادود، ۱۳۴۷: ۳۳۵). دگربار در آبان یشت می‌خوانیم که هوشنگ پیشدادی صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند پیشکش آناهیتا کرد تا بزرگ‌ترین شهریار زمین شود تا بتواند دوسوم از دیوان مازنی و دروغ‌پرستان ورن را بر زمین افکند (پوردادود، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

پژوهشگران بر سر تعیین محل ورن اختلاف نظر دارند، اما در اینکه بخش مهمی از ولایتی به نام پتسخوارگر بوده گمانی نیست. در اوستا فریدون به ورن منسوب شد و این محل همان ناحیه‌ای است که در دامنه البرزکوه و دماوند قرار داشت (حجازی‌کناری، ۱۳۷۲: ۸۵-۹۱).

بنابراین با توجه به اینکه ایندره در اوستا سردسته دیوان اهریمنی است، چنانکه در جزء نهم فرگرد دهم وندیداد نام ایندره در کنار دیگر دیوانی چون سورو، نانگهشیا و در جزء ۴۳ از فرگرد نوزدهم در کنار تورو و زابری آمده است (دارمستتر Darmesteter, 1892, Vol, 2: 373 بر گرفته از مهجوری، ۱۳۸۱: ۳۰) می‌توان چنین پنداشت که مردمان سرزمین‌های شمالی

یا ورنه همچنان به دئوه‌ها یعنی ایزدان هندی ایرانی باورمند بودند.

همچنین گفتنی است که ژاک دموورگان در کتاب مأموریت‌های علمی در ایران، بین دو محل وانا و رینه که در نواحی شمالی قله دماوند واقع شده‌اند و ورنه ارتباطی برقرار کرده است (حجازی‌کناری، ۱۳۷۲: ۸۵-۹۱).

با آنکه هخامنشیان قلمرو بسیار گسترده‌ای از نواحی فرارودان تا مصر و از قفقاز تا خلیج فارس را در اختیار داشتند، نتوانستند طبرستان و فرمانروایان آن را به اطاعت و فرمانبری خود وادارند (بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۳).

اسکندر مقدونی باهدف سلطه‌جویی نظامی خویش، موفق شد این منطقه را تصرف کند، اما مردم این سرزمین بی‌درنگ در زمان جانشینان اسکندر سر به شورش نهادند و حاکمیتی را حمایت کردند که تا زمان ساسانیان اعتبار و اقتدار ویژه‌ای داشت (سرتیپ‌پور، ۱۳۵۶: ۴۴). در دوره اشکانیان از ولایتی به نام هیرکانیا نام برده می‌شود که همان وهراکانه اوستا و هیرکانیای نویسندگان باستان چون استرابو و هرودوت است (رایینو، ۱۳۶۵: ۱۳۹). این ولایت، بخش‌های عمده‌ای از استان‌های شمالی را شامل می‌شده است که اشک نخست سردودمان اشکانیان در سال ۲۳۵ پم آنجا را گرفت (دیاکونف، ۱۳۶۲: ۴۲). نویسنده کتاب جغرافیای گیلان، جنگ و درگیری بین شاهان اشکانی و ساکنان ولایات سواحل دریای کاسپی را تأیید کرده و تصرف گرگان، مازندران و گیلان را در سال ۱۷۶ پم به‌دست فرهاد اول اشکانی شرح داده است (لاهیجانی، بی‌تا: ۱۰۳). برخی از گزارش‌های تاریخی اشاره دارند که در این جنگ و تصرف اقوامی موسوم به آماردها یا آمردها به ناحیه‌ای در شرق ورامین کوچانده شدند و سرزمین آنان به‌دست تیره‌ای به نام تیرها افتاد (ستوده، ۲۵۳۵: ۷) که سپس تر واژه تبرستان یا طبرستان به سرزمینی اطلاق شد که در دست تیره تیر قرار گرفته بود.

در دوره ساسانیان و همزمان با پادشاهی اردشیر بابکان فرمانروایی به نام گشنسف بر طبرستان، گیلان، رویان و دماوند حکومت می‌کرد (رایینو، ۱۳۶۵: ۲۰۲). نیاکان وی از زمان اسکندر مقدونی یعنی از ۳۳۰ پم بر ولایات یادشده فرمانروایی داشتند. حکومت بر این ولایت‌ها تا حدود سال ۵۲۹ میلادی در اختیار آل گشنسف بود. اردشیر بابکان باهدف

برپاساختن حکومت مقتدر مرکزی، با بسیاری از پادشاهان و فرمانروایان محلی به مذاکره یا به ناچار جنگ پرداخت. او به واسطه نفوذی که تنسر، هیربد هیربدان، بر پادشاه طبرستان گشنسف‌شاه داشت توانست طبرستان را به اطاعت خود در آورد (بنگرید به مینوی و رضوانی، ۱۳۵۴: ۵۰-۴۹). پس از مرگ اردشیر، طبرستان سر به شورش برداشت و برای مدت کوتاهی استقلال خود را به دست آورد، اما بی‌درنگ شاهپور اول و پس از آن فرزندش بهرام اول، بر این سرزمین چیره شدند. بهرام اول پیش از پادشاهی و در زمان حیات پدر، فرمانروای گیلان و سرزمین‌های ساحلی دریای کاسپی بود و گیلان‌شاه نامیده می‌شد. البته امارت طبرستان در اختیار پسر بزرگ‌تر بهرام، کائوس یا کادوس بود (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۲۷).

نوه کیوس که باو نام داشت در خدمت خسرو پرویز نوه انوشیروان بود. خسرو، حکمرانی استخر، آذربایجان، عراق و طبرستان را به او داد. پس از مرگ خسرو و در زمان چند پادشاه ساسانی، قدرت باو کاهش یافت و تقریباً سکوت اختیار کرد تا اینکه در زمان یزدگرد به طبرستان رفت تا در آتشکده کوسان که توسط جدش جیوس عمارت شده بود، به عبادت بپردازد. در این زمان، طبرستان دچار تفرقه و شورش بود. همه بزرگان اتفاق نظر داشتند که در خدمت باو باشند. باو وحدت را به طبرستان باز آورد و در مدت زمان اندکی این ولایت را از تفرقه‌اندازان و شورشیان پاک کرد، باین حال باو را شخصی به نام آذر و لاش کشت (اولیاءالله آملی، ۱۳۶۸: ۳۷-۴۳). باو، کودکی داشت به نام سرخاب یا سهراب که با مادرش در دهی پیرامون ساری متواری بود. مردم قارن وی را یاری کردند و و لاش را از بین بردند و وی را در پریم یا فریم به تخت نشاندند. از آن وقت، حکومت طبرستان در خاندان او بود و از این جهت به خاندان حکومتی وی باوند یا باوندیه می‌گویند (اولیاءالله آملی، ۱۳۶۸: ۳۷-۴۳).

به هر حال، طبرستان در دوران ساسانی تقریباً در تسلط و حاکمیت پادشاهان ساسانی بوده و حاکمان محلی و گماشتگان پادشاهان مرکزی ایران بر آن حکومت می‌کردند و باج و خراج نیز می‌پرداختند (کریستین سن، ۱۳۸۵: ۲۵۵). باین حال تسلط کامل بر طبرستان به‌ویژه نواحی غربی آن یعنی گیلان و دیلمان توسط حکومت‌های مرکزی مشکل و ناممکن بوده است (مشکور، ۱۳۶۶: ۵۵۳). مینورسکی اشاره‌ای مسلم در این زمینه دارد که ناحیه دیلمان هرگز به تصرف قطعی پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی درنیامده است (مینورسکی، ۱۳۴۵: ۵۱).